



ابوالقاسم ر حمانی

دبیر گروه جامعه

تا اینجای سال ۹۸، بیش از ۵۰ روز ناسالم را در پایتخت سپری کرده‌ایم، معضل آلودگی هوا سال‌هاست گریبان شهروندان را گرفته‌است و آخرین راه‌حل مدیریت شهری این است که باید منتظر باشیم تا یاد بوزد! تعداد اتوبوس‌های شهری کم‌است، مردم از سسر و کله یکدیگر بالا می‌روند تا پشت در اتوبوس‌ها

نمانند سوار شوند و به مقصد برسند، آن وقت مدیریت شهری هیچ پاسخی برای آن ندارد و توپ را در زمین دولتی می‌اندازد که از لحاظ جریانی و سیاسی با آن همسواست و شهردار در جلسات هیات‌دولت حاضر می‌شود، اما خب گویا توان دریافت مطالباتش را ندارد! واکن‌های مترو هم کم‌هستند و هم قدیمی، واکن‌های جدیدی خریداری نمی‌شود و آنهایی هم که خریداری شدند در گمرک دپو مانده‌اند و گرهی از کار شهروندان باز نکرده‌اند، پاسخ مدیریت شهری برای این هم همان حرف‌های همیشگی است، در باره خطوط مترو هم که حرفی نمی‌ماند

وقتی دو خط ۶ و ۷ را تعطیل کردند. چند روزی است تمام دوچرخه‌های شهری از سطح شهر جمع شده‌اند، ابتدا گفتند از ترس تخریب توسط معترضان اما اخیرا کاشف به عمل آمده که شهرداری حمایت خاصی از شرکت توسعه‌دهنده نکرده و نمی‌کند، فقط برای این سهم یک درصدی که دوچرخه در کل حمل‌ونقل شهری دارد، صد درصد سهم شوا ف قائل است و سه‌شنبه‌ها شهردار با آن به ساختمان بهشت می‌رود. به جای ایجاد فاه و توسعه امکانات شهری مگر را نام خیابان و بوستان تغییر می‌کند و همین می‌شود دستاورد مدیران شهری. بلیت

حمل‌ونقل عمومی گران می‌شود، هزینه‌رود و به‌طرح ترافیک افزایش می‌یابد و حتی حلقه دومی هم برای درآمدزایی به آن اضافه می‌شود، تخم شایعه پولی شدن صندلی‌های اتوبوس هم کاشته می‌شود و خیلی شیک و مجلسی شهر فروشی رخ می‌دهد، در آخر هم مدیران شهری می‌گویند زندگی در تهران هزینه‌دارد و هرکس می‌خواهد در آن زندگی کند باید هزینه آن را پرداخت کند. حالا با این وضعیت، واقعا لزومی برای افزایش مدیران شهری وجود دارد؟ اگر بیش از سه برابر اعضای فعلی مدیر شهری داشته باشیم به جای بهبود اوضاع، دیالوگ‌ها

و افعال و سیاست‌های مدیران فعلی بیش از سه برابر تکرار نمی‌شود؟ فکری کنیم همین حالا اگر در خیابان‌های شهر قدم بردارید و به تصادف جلوی چند نفر را بگیرید و ببرسید اصلا چند نفر از اعضای شورای شهر را می‌شناسند و از اقدامات‌شان رضایت دارند، تعداد مدیران شناس شهری حتما به تعداد انگشتان یک دست و تعداد اقدامات و افعال مفیدشان به عدد و شمار نمی‌رسد. اما به هر طریق مدیران فعلی گویا درخواست افزایش تعداد اعضای پارلمان شهری را در سر می‌پروراند و برای تحقق آن تلاش می‌کنند.

بلبشوی کاهش اعضای شورای شهر از ۳۱ نفر به ۲۱ نفر

سال ۹۴ طرحی از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شد تا به موجب آن تعداد اعضای شوراهای اسلامی شهرها کاهش پیدا کند، محمدجواد کولیوند، رئیس کمیسیون شهرها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی در این باره گفته بود: «در طرح جدید ارائه‌شده برای تعیین تعداد اعضای شوراهای اسلامی شهرها، فرمولی منطقی‌تر از گذشته برپایه میزان جمعیت مدنظر قرار گرفته‌است. در صورت تصویب این طرح تعداد اعضای شورای اسلامی شهر تهران از ۳۱ نفر حال حاضر در دوره آینده به ۲۱ نفر کاهش یافته و تعداد اعضای شورای اسلامی شهرهایی با بیش از دومیلیون نفر جمعیت مانند مشهد مقدس ۱۳ نفر و دیگر شهرها براساس جمعیت ۱۱، ۹، هفت و پنج نفر می‌شود.» بعد از تصویب این طرح، اعضای شوراهای شهر خصوصا در شهرهای پرجمعیت از جمله تهران دست به انتقاد و اعتراض زدند. در جلسه ۱۴ مهر ۹۴ شورای شهر تهران اکثریت قریب به اتفاق اعضای پارلمان شهری تهران نسبت به این مصوبه مجلس انتقاد کردند. برای مثال رحمت‌الله حافظی، عضو شورای شهر تهران در دوره قبلی در مخالفت با این طرح گفت: «تصمیم مجلس در کاهش تعداد اعضا نقض حقوق ملت است، شهرها با محورهایی چون سلامت مردم، حمل‌ونقل عمومی، معماری، مسائل فرهنگی، زیست‌محیطی، اجتماعی، شهرسازی، ترافیک و خدمات شهری روبه‌رو هستند و به همین دلیل کاهش تعداد اعضا در این برنامه‌ها اختلال ایجاد خواهد کرد.» یا در اظهارنظری دیگر در همان جلسه مهدی چمران، رئیس وقت شورای شهر تهران خاطرنشان کرد: «شورها با تعداد موجود هم برای رسیدگی به امور وقت کم می‌آورند و با کاهش اعضا مشکلات افزایش خواهد یافت. آیا تعداد جمعیت شهر تهران کم شده که تعداد اعضای شورای شهر آن کاهش یابد؟» برخی دیگر از اعضای شورای شهر چهارم تهران هم در ارتباط با مصوبه کاهش از ۳۱ به ۲۱ عضو انتقاداتی مطرح کردند. رحمانی فضلی هم با شدت گرفتن انتقادات به این مساله گفت: «افزایش و کاهش اعضای شورا و خوب و بد آن توسط قانونگذار بررسی شده‌است و وزارت کشور هرچه قانون بگوید اجرا خواهد کرد. میزان موفقیت شورها در دوره‌های گذشته به تعداد بستگی ندارد؛ درحقیقت کیفیت بیشتر از کمیت اهمیت دارد و باید بررسی شود چه کسانی با چه تجربه و تحصیلاتی عضو می‌شوند که بی‌تردید مهم‌تر از تعداد اعضا خواهد بود.» به هر طریق این مصوبه به اجرا در آمد و پارلمان شهری در دوره پنجم با ۲۱ عضو کارش را آغاز کرد.

آغاز دوباره دوگانه کاهش و افزایش اعضای شورا

با تمام انتقاداتی که می‌شد، همانطور که گفتیم پارلمان جدید شهری با کاهش اعضا روبه‌رو شد و تهران با یک شورای ۲۱ نفره دوره مدیریتتی جدیدش را آغاز کرد. اما خب دامنه این انتقادات ادامه پیدا کرد و هر بار که ندی به روند نظارتی مدیران شهری صورت گرفت، آن را با مساله تعداد کم اعضای شورای شهر گره زدند و در نهایت کار به اینجا رسید که روز گذشته مرتضی الویری، عضو شورای شهر تهران و رئیس شورای عالی استان‌ها در پیشنهادی طرح افزایش تعداد اعضای شورای شهر تهران را مطرح کرد و گفت: «تعداد اعضای شوراهای شهر و روستا براساس جمعیت آن شهر و روستا تعیین می‌شود که براساس آخرین سرشماری‌های صورت‌گرفته نیاز است متناسب با آن ترکیب شوراهای شهر و روستا تغییر کند. در اصلاح قانون جدید شهرها که به مجلس شورای اسلامی نیز ارسال شده‌است، به این موضوع اشاره شده و پیشنهاد داده‌ایم تعداد اعضای شورای شهر کلانشهرها افزایش یابد. به‌عنوان مثال ما پیشنهاد داده‌ایم تعداد اعضای شورای شهر کلانشهر تهران با توجه به جمعیت بیش از ۱۰ میلیون نفری که دارد از ۲۱ به ۷۵ عضو افزایش یابد و امیدواریم در دوره فعلی نماینده‌های مجلس به این جمع‌بندی برسند و با این افزایش موافقت کنند. با توجه به جمعیت فعلی ای که شهر تهران دارد، نیاز‌است برای نظارت بیشتر روی بخش‌های مختلف شهری اعضای شورا افزایش یابد و در این قالب هم مدیریت یکپارچه شهری تحقق پیدا کند تا بتوانیم مدیریت و نظارت واحدی داشته باشیم.»

قبل از اتخاذ هر تصمیمی باید پیامدهای آن را در نظر بگیریم

بعد از تشریح نگاه مدیران شهری به مساله افزایش کمیت مدیران در شهر، امیر خراسانی کارشناس و جامعه‌شناس شهری در ارتباط با این ماجرا به «فرهیختگان» گفت: «کمیت و تعداد اعضای پارلمان شهری براساس معیارهای گوناگونی امکان تعیین و تغییر دارند. هر تصمیمی، مثلا همین ماجرای گران کردن بنزین، مقدمات و معیارهایی دارد. یک موقع ما سوال می‌کنیم گران کردن بنزین خوب است یا بد؟ برای پاسخ به این سوال بلافاصله باید گفت که در چه شرایطی؟ چه زمانی و به چه شکلی؟ در واقع باید مسائل مختلفی را در نظر بگیرید. در نتیجه برای پاسخ به سوالاتی از این دست، مثل خوب یا بد بودن افزایش تعداد اعضای شورای شهر، باید همان مسیر را طی کرد و گفت در چه شرایطی و با چه سازوکار و استدلال‌ها و مکانیسم‌هایی؟ این سوالات پیامدهای هر تصمیم‌گیری را مشخص می‌کند. در ارتباط با این مساله افزایش تعداد اعضای شورای شهر، فی‌نفسه چیز بدی نیست، یعنی اینکه ما تعداد بیشتری از آدم‌ها را در کابینه و پارلمان شهری داشته باشیم می‌تواند کمک‌کننده باشد. از این جهت که انرژی بیشتری در شهر صرف می‌شود و نظارت‌ها دقیق‌تر می‌شود و منتها سوالی که ایجاد می‌شود این است که آخرین باری که تعداد را افزایش دادیم در آن برهه نفی بردیم یا نه؟ خروجی این افزایش تعداد اعضای شورای شهر چه بود؟»

به شرط کاهش هزینه‌ها، افزایش تعداد اعضای شورای شهر اشکالی ندارد

ابوالفضل قانع‌تی، عضو شورای شهر سابق و از مخالفان کاهش تعداد اعضای شورای شهر قبلی از ۳۱ نفر به ۲۱ نفر در ارتباط با ماجرای کاهش و افزایش تعداد اعضای پارلمان شهری به «فرهیختگان» گفت: «دوروبر خودمان را اگر نگاه کنیم، مثلا کشور ترکیه، می‌بینیم که آنها هم در شهرهای خودشان چنین جمعیتی را برای پارلمان شهری دارند. به نظر من کم کردن تعداد اعضای شورای شهر که دوره قبل رخ داد کار اشتباهی بود. از ۳۱ نفر به ۷۵ نفر هم اشتباه دیگری است. باید روی تعداد افراد و نفراتی که قرار است در شهر تهران کار کنند، کارشناسی صورت گیرد. الان پنج دوره از شورا شهر گذشته‌است، یک بار یک‌نفر اعضای شوراهای شهر در ادوار مختلف را جمع نکرد تا نظرات آنها را بشنود و کار کارشناسی کند و بفهمد که می‌شود با این تعداد افراد تهران را مدیریت کرد یا خیر؛ اینکه سود و زیان این کاهش و افزایش‌ها چیست. اما خب با اتفاقی که اخیرا افتاد و مجلس شورایاری‌ها را به رسمیت نشناخته‌است، کمی افزایش تعداد اعضای شورای شهر موضوعیت می‌یابد. چرا که در گذشته شورایی‌ها خلا ارتباط مدیران شهری با محلات را پر می‌کردند، بنابراین این خلأ کمی باید به نوعی پر شود تا اعضای شورای شهر بتوانند وقتی هم برای محلات بگذرانند. به نظر من با توجه به کاهشی که دوره قبل داشتیم و اتفاقاتی که در این دوره رخ داد، افزایش تعداد اعضا لازم‌است اما نه به ۷۵ نفر، بلکه بین ۳۰ تا ۴۰ نفر منطقی‌است، چراکه ۷۵ نفر خودشان نیازمند کنترل و افرادی برای مدیریت هستند. برای تحقق مساله افزایش تعداد اعضای پارلمان شهری حقوق و مزایای اعضای شورا شهر و هزینه کردهای آن هم باید کنترل شود و خیلی بالا نرود. باید طوری شود که این خدماتی که به اعضا داده می‌شود کاهش پیدا کند تا هزینه جدید به شهر تحمیل نشود. مثلا دیگر اعضا راننده نداشته باشند و حقوق ثابت بماند و افزایش نداشته باشد، هزینه‌ها را کم کنند و تعداد را افزایش دهند.»

افزایش اعضای شورا در شرایط فعلی توجیه ندارد

این کارشناس مسائل شهری در ادامه خاطرنشان کرد: «اما سوالی که من دارم این است که دلایل چنین درخواست و پیشنهادی در چنین شرایطی چیست؟ یعنی الان در این شرایط که اولویت‌ها مشخص است و اولویت‌های اصلی این است که تا جای ممکن جلوی شهرفروشی را بگیریم و ساخت‌وسازها و پسماند را کنترل کنیم، حمل‌ونقل عمومی را گسترش دهیم چنین طرح و درخواستی چه استدلالی دارد؟ سال‌هاست برای پسماند تهران اتفاق خاصی نیفتاده و این پسماند همه این شهر را می‌بلعد، مساله آب در تهران مساله بسیار حیاتی است، ما همچنان در یک فرآیند آب‌زدی از سایر مناطق هستیم و آب‌زدی ما دارد به قزوین و طالقان و ... می‌رسد. من این تصمیم را الان در اولویت نمی‌بینم، ضمن اینکه می‌فهمم بالا بودن تعداد اعضای شورای شهر چه میزان، مزیت می‌تواند داشته باشد.»

مناسب‌سازی قوانین سایر کشورها مهم‌تر از کپی‌برداری از آنهاست

این جامعه‌شناس شهری در پایان با نقد نگاه‌های پژوهشی و آسیب‌های ناشی از آن در روزگاریس از اجرای سیاست‌ها گفت: «نکته دیگر هم اینکه بسیاری از اوقات نهادهای پژوهشی شهری، تحقیقاتی انجام می‌دهند تا ببینند که نوسازی در ترکیه و زیباسازی در کانادا و ... چگونه است تا در افعال داخلی هم از آنها الگوبرداری کنند. همین قانون تراکم هم براساس مطالعاتی که روی غرب انجام شده بود اخذ کردند. مساله‌ای که اینجا نهفته‌است اینکه کارشناس‌های ما توجه نمی‌کنند همین که ما ببینیم یک چیزی در یک جای دیگر دنیا کار می‌کند و جواب می‌دهد، انتقال بی‌واسطه‌اش به داخل ضرورتا به کارآمدی نمی‌انجامد؛ این مساله بسیار مهمی است. اینکه من الان ببینم قانونی مثلا در اندونزی جواب می‌دهد و آن را بردارم و بیاورم در کشور کپی کنم می‌تواند هزار بلا ایجاد کند. متاسفانه ما از این نوع قوانین در کشور بسیار زیاد داشتیم و محدود به حوزه شهری هم نبود. در حوزه‌های آموزش، درمان، مسکن، بانکی و مالیات و ... این مدل استدلال‌ها اصلا صحیح نیست و این فقط یک مرحله از پژوهش است و بخش مهم این است که تصمیم را بتوانیم برای اجراء در فضای موجود متناسب‌سازی کنیم. خیلی از اوقات از روی تنبلی فکری یا برای ساختن یک توجیه می‌شنویم که می‌گویند فلان شهر آمریکا فلان کار را کرده‌است و جواب داده، ما همورا بکشیم و انجام دهیم. چیزی که آنجا خوب کار کرده‌است الزاما اینجا جواب مثبت نخواهد داد و ما را به چاله‌های اجرایی می‌اندازد. فضای سیاست‌گذاری خودش یک اکوسیستم است، یعنی هر تصمیمی که ما می‌خواهیم بگیریم باید متناسب با اکوسیستم سیاست‌گذاری خودمان باشد. نمی‌توانیم یک جز از یک اکوسیستم دیگر را بیاوریم در اکوسیستم خودمان و بگوییم حالا کار کن و جواب بده.»

پاورقی

همان‌طور که بالاتر گفتیم، تعارض منافع، عدم نظارت صحیح و تعبیه فیلترهای گزینشی مناسب در کنار کالا بودن و ثروت‌زا بودن ساختار شهری باعث می‌شود نتوانیم نگاه مثبتی به افزایش تعداد اعضای پارلمان شهری داشته باشیم. ماجرای املاک نجومی، شهرفروشی، مجوزهای ساخت‌وساز غیرقانونی، تخلف در ماده ۱۰۰ و خیلی دیگر از این دست مسائل همه ابزارآلات قدرتی است که در بد مسئولان شهری است. خروجی این اختیارات حداقل در دوره پنجم مدیریت شهری مناسب نبوده و باعث دستگیری تعداد زیادی از اعضای مدیریت شهری در کشور شده‌است. برای مثال در آماری که از تعداد افراد دستگیرشده در مدیریت شهری در تهران و شهرستان‌های اطراف آن منتشر شده‌است، مجموعا ۵۸ بازداشتی در شهرداری‌ها و شوراهای شهر دوره پنجم در تهران و شهرستان‌های اطراف آن رخ داده‌است. در این بین شهر رودهن با ۲۶ بازداشتی در صدر این آمار و پس از آن شهریار با هشت بازداشتی قرار دارد. در مجموع ۶ شهردار و شهردار منطقه، ۱۸ عضو شورای شهر و ۳۴ کارمند شهرداری در شورای پنجم شهری دستگیر شدند. از میان ۱۸ نفر بازداشتی‌های شورای شهر سه نفر رئیس شورا و باقی از اعضا بودند و شهر پرند با پنج بازداشتی بیشترین دستگیری را در شورای شهر داشته‌است.

۲۱ نفره چه گلی بر سر شهر زدید که ۷۵ نفره بزینید؟!

حمل‌ونقل عمومی توسعه پیدا نمی‌کند، مترو و اتوبوس جدیدی خریداری نمی‌شود و ناوگان حمل‌ونقل عمومی از فرسودگی رنج می‌برد، می‌گویند چون پول نداریم و دولت سهمش را پرداخت نمی‌کند. دو خط آماده ۶ و ۷ متروی تهران را به بهانه ایمن نبودن تعطیل می‌کنند اما بعد از بیش از دوسال تلاشی برای رفع این نایمن بودن نمی‌کنند. آلودگی هوا سلامت مردم را به خطر انداخته‌است، می‌گویند منتظر باشیم تا یاد بوزد و آلودگی کم شود. ترافیک روح و روان مردم را آزار می‌دهد و وقت‌شان را می‌کشد، می‌گویند طرح ترافیک قبلی کارآمد نیست و طرح‌های جدید اجرا می‌کنند سرآخر مشخص می‌شود می‌خواستند جیب‌شان را پر کنند. بلیت مترو و اتوبوس گران می‌شود، کرایه‌های تاکسی افزایش می‌یابد و شایعه فروشی شدن بلیت اتوبوس‌ها کوک می‌شود، به یا کلی تکذیبش می‌کنند یا می‌گویند دولت پول نمی‌دهد و بنزین گران شده و شهرفروشی نقد می‌شود و هزارویک انتقاد درست و نادرست به دوره‌های قبلی مدیریت شهری می‌کنند، سرآخر خودشان درخواست متمم بودجه می‌دهند ولی راه تامین همین متمم هم از شهرفروشی می‌گذرد. شعار مبارزه با رانت و ویژه‌خواری داده می‌شود و مردم هم رای می‌دهند، در آخر و بعد از دوسال یک مصوبه محدودیت اختیارات شوراهای معماری مناطق که می‌تواند به تخریب اتاق لابی شهرداران مناطق منجر شود به سرانجام نمی‌رسد. اما خب تا دل ما و همه شهروندان بخواده، خیابان و بوستان نامگذاری می‌کنند و تندیس می‌سازند و سسر هر کوچه و برزنی می‌کارند و به این افتخار می‌کنند. با این وضع و اوضاع مدیریت شهری، با وضع نابسامان شورایی‌ها در شهر، آیا واقعا مساله کمبود اعضای شورای شهر است؟ این لشکر ۲۱ نفره شورای پنجم شهر تهران در این دوسال و اندی از مدیریت‌شان در پایتخت جز تغییر سه شهردار و انتظار برای مشخص شدن حکم نهایی شهردار منتخب اول‌شان به جرم قتل همسر دوشم و همان تغییرنام خیابان‌ها و بوستان‌ها چه گل دیگری به سر شهر زده‌اند که حالا می‌خواهند خدا کرمی‌ها و میروچی‌ها و الویری‌ها و ... را ضرب در سه و چهار کنند و به ۷۵ نفر برسانند؟ مردم سوال می‌کنند ما چه خبری از این ۲۱ نفر دیدیم که حوصله کنیم دفعات بعدی در برگه رای وقت‌مان را بگذاریم و اسسم ۷۵ نفر را بنویسیم؟ بهتر نیست مدیران شهری به جای تلاش برای افزایش تعداد بهشت‌نشین‌ها و راه‌رفتن روی اعصاب ناکوک مردم فکری به حال شهر دود گرفته و خسته و از تک و تافتاده تهران کنند؟

ساختار ثروت‌زای شهری باعث سهم‌خواهی مدیران می‌شود

خراسانی با تشریح فضای موجود شهری و ساختار آن ادامه داد: «به نظر من مادامی که ساختار شهری ساختاری است که شما می‌توانید در آن کسب‌وکار داشته باشید، یعنی دسترسی به تصمیمات شهری، دسترسی به منابع شهری، اطلاعات شهری، مجوزهای خاص شهری و ... که می‌تواند ثروت آفرین باشد، این نوع اضافه کردن‌های مدیران شهری پیامدهایی شبیه به سهم‌خواهی گروه‌های بیشتر هم دارد. ما تقریبا در اکثر محلات‌مان اعضای شورا شهر داریم، این فی‌نفسه تصمیم درستی است و دموکراتیک است. یعنی اینکه ما در محلات‌مان شورای محلات داریم یکی از دموکراتیک‌ترین تصمیمات و نهادهایی است که ایران گرفته‌است. ولی نکته‌ای که وجود دارد این است که در همین شوراهای محلی ما اکثر شاهد زمین‌بازی، اخذ مجوزهای خاص و در یک کلام مبادلات شهری هستیم، به همین خاطر مدیران افرادی را در این شوراهای محلات می‌بینید که زمین‌باز هستند و اهل زد و بند و مشاور املاک آن محلات هستند و همه این داستان ما را به مساله زمین شهری برمی‌گرداند. یعنی زمینی که در محدوده شهر است، چون این زمین ارزش زیادی دارد و شهرداری مدخلیت بسیاری زیادی روی این زمین ارزشمند دارد، مثلا می‌تواند حدود و ثغور آن را تعیین کند و باعث می‌شود تصدی و نزدیکی به مسئولیت‌های شهری و ورود به آن جذاب باشد. اگر من یا شما عضو شورای شهر یا شورای یک محله باشیم فی‌نفسه ما دسترسی به یک اطلاعات و داده‌هایی داریم که دیگران ندارند و این جذابیت ایجاد می‌کند. در نتیجه صرفا با اضافه کردن آدم‌ها می‌تواند یک دردسر هم ایجاد کند و کار تصمیم‌گیری را سخت کرده و افراد را دچار تعارض منافع کند، مدام شاهد کشمکش باشیم و ...»